



یاد داشت هائی بر

تعزیه شهر بانو

تعزیه - صرفنظر از جنبه های مثبت و منفی مذهبی آن - در دورانی که با جلال و شکوهی تمام اجرا می شد، و سیاحتی چون تاورنیه و فلاندن و غیره آنهارا مشاهده کرده و در سفر نامه هایشان نوشته اند، همانند نمایشات مذهبی قرون وسطی اروپا و دارای ارزش نمایشی کامل بوده است: « این تعزیه ها نوعی از همان نمایشات مذهبی قرون وسطی است که در اروپا داده می شده به زیر چادرهایی که در معابر عمومی، حیاط مسجد، یا درون قصور برپا می سازند، دایر می شود. در وسط چادر تختی می گذارند که اعمال در آنجا اجرا آورده می شود. بر روی تخت منبر است که پیش از هر نمایش ملایی بالای آن رفته مردم را وعظ می کند و برای درام حزن انگیز بعد، حاضران می سازد. این تعزیه ها بشعر نوشته شده که باز بگراں باملاحت و آهنگ و ژستی مخصوص می خوانند و در مردم ایجاد شود می نمایند »

* - « ننت گوینو با کمی اغراق تظاهرات مذهبی مزبور را ، که بنام تعزیه معروفست ، باشاهکارهای ترازدی یونانی برابر می داند ولی اگر واقعیت را در نظر بگیریم تعزیه به شبه خوانی های قرون وسطی اروپا بیش از ترازدی یونان شباهت دارد . درامهای مزبور از نظر ادبی يك سلسله مطالب تکراری پر از حاشیه پردازی است اما در خلال آن گاهی به اشعار واقعا عالی و تاثیر انگیز و منیج نیز بر می خوریم »

(از: کتاب تاریخ تمدن ایران. مقاله شارل ویرولو ۳۶)

** - سفرنامه اوژن فلاندن . ص ۱۰۲

امروزه ممنوعیت‌های مذهبی، و پاره‌ای عوامل دیگر، تعزیه گردانی را به صورتی فقیرانه در آورده است و تعزیه گردانها را به کوچیدن به شهرهای دور افتاده و دهکده‌ها و ادا داشته است. در ایام سوگواریهای مذهبی، و بایر زمان که آدمی از روی نیاز «بانی» این کار شود، در اکثر شهرهای کوچک و روستاها چنین مراسمی - با شرایطی متفاوت - برپا می شود. در تهران همه هفته، در روزهای جمعه و تعطیل‌های مذهبی، این مراسم در «امامزاده حسن» به صورتی فقیرانه برپا می شود، گذشته از آن در «تکیه رضاقلی خان» - واقع در خیابان ری - هر گاه «بانی» وجود داشته باشد به صورتی باشکوه اجرامی شود. نسخه خوانهای تعزیه‌ها، تکیه که در «تکیه رضاقلی خان» برپا می شود حرفه‌ای نیستند و از روی نذری که کرده‌اند هر کس در نقشی تعزیه را برپا می دارند و پول «بانی» تنها صرف تهیه وسایل و پذیرایی از حاضرین می گردد. اما در امامزاده حسن تعزیه گردان‌ها از این راه نان درمی آورند و در میان اجرای تعزیه، و گاه در اوج آن، خاموش می شوند و «دشت» می خواهند.

گذشته از برداشت‌های مذهبی گردآوری و ضبط این «دستگاه» - ها از نظر مطالعه روانی توده و تحقیق‌های جامعه‌شناسی مفید تواند بود و نقل متن تعزیه شهر بانو در اینجا از این رو است.

شهر بانو، بنا بر روایت تاریخ، دختر یزدگرد سوم - آخرین پادشاه ساسانی - و همسر امام حسین (ع) است. ادوارد براون در کتاب تاریخ ادبی ایران می نویسد: «بعقیده ایرانیان حسین بن علی (ع) که پسر کوچک فاطمه زهرا بنت نبی اکرم می باشد شهر بانو، دختر یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی، را بجهاله نکاح در آورد و بنا بر این هر دو فرقه بزرگ تشیع (چه اثنی عشریه که اکنون در ایران شایع است و چه اسمعیلیه که هفت امامی است) نه تنها نماینده حقوق و فضایل خاندان نبوت اند بلکه واجد حقوق و فضایل سلطنت نیز می باشند، زیرا نژاد از دوسو دارند: از بیت رسالت و از دود ساسان.»

« اکنون اعم از اینکه این مزاج و اقامت صورت گرفته یا نگرفته باشد قرنهای بسیاری است که این امر را شیعیان مانند يك حقیقت تاریخی قبول دارند... شهر بانو که مادر نه امام است (از امام چهارم تا امام دوازدهم) هنوز در قلوب هموطنان خود جا دارد و تقریباً در يك فرسنگی جنوب تهران کوهی است

* متن کامل يك تعزیه .

** ترجمه علی پاشا صالح. ص ۱۹۵ چاپ تهران ۱۳۳۳

بنام کوه بی بی شهر بانو که مردان را اجازه پای نهادن و بی حرمتی بهرم آن نیست... بی بی شهر بانو یکی از قهرمانان تعزیه حزن انگیزی است که همه ساله در همه شهرهای ایران و بلاد دیگری که مسکن مهاجرین ایرانی است برپا می شود و شیعیان با چشمان اشکبار و گروه گروه در تعزیه شرکت می کنند. * آنگاه بر او چند خطی از این تعزیه را نقل می کند .

درباره شهر بانو و کوهی که گویا دهان باز کرده و شهر بانو را در خود پناه داده است این عقیده عامیانه مشهور است که شهر بانو، که دشمن در تعقیبش بود، چون به کنار این کوه - نزدیک شهرری - رسید بجای اینکه بگوید «یا هو! مرا دریاب» گفت «با کوه! مرا دریاب» و کوه دهان باز کرد و او را پناه داد. * * *

تعزیه شهر بانو - که پس از این سطور می آید - از نمونه های جالبیست که همه ساله اجرای آن فراموش نمی شود.

درباره این تعزیه نامه می توان گفت که بر آن احساسات ملی پیش از واقعیت حکم فرماست - و این در میان تعزیه نامه های دیگر نیز شایع است - و سراینده ی ناشناس در قسمت هایی از این تعزیه از زبان خاندان ائمه کاملاً در تجلیل و بزرگداشت شهر بانو - که ایرانیست - کوشیده است و سرانیده، مانند دیگر تعزیه نویس ها آنجا که به مخالفین خاندان ائمه می تازد بیشتر توجهش بسوی کسانیست که بایران تاخته و آن را ویران کرده اند تا به خاطر اختلافات مذهبی .

و نیز گاه در این تعزیه نامه به اشتباهاتی تاریخی بر می خوریم، و این چیزی از ارزش آن نمی کاهد - چرا که تعزیه تاریخ نویسی نیست، هنری است عامیانه و بدور از ماجراهای مدعیان علم. از این موارد است وجود آدمی با اسم عبدالله که برادر شهر بانو فرض شده و سلطنت ری را دارد و پس از آگاهی از وقایع کربلا بآن سولشگر می کشد. شهر بانو اگر صاحب برادری بوده باشد اسم او عبدالله نمی تواند باشد. «پسریزد گرد سوم فیروز نام دارد که در کوه های طخارستان ماند و به واسطه حملات مسلمان ها به چین گریخت. * * * * *

* - همان کتاب ص ۱۹۶ و ۱۹۷ .

** برای آگاهی از پاره ای عقاید عامیانه در این باره نگاه کنید به «نیرنگستان»

تالیف صادق هدایت صفحه ۱۶۷

*** تاریخ ایران قدیم نوشته حسن پیرنیا . ص ۲۳۸

و نیز در این نیم بیت:

« بر نددت از مداین در مدینه »
ری به جای مداین آمده است .

سر آینده این تعزیه نامه، مانند اغلبی از تعزیه های دیگر، گمنام است . گرچه در بعضی از قسمتها لحن بیان کاملاً عامیانه است اما بخشهایی هم در آن دیده میشود که در آن ها کلام سنگین و استوار است و نشان می دهد که شاید شاعری - که فعلاً نمی شناسیمش - آن را پرداخته و سپس آن متن بدست نسخه خوانان و نسخه نویسان دیگر گونیهای یافته است. در هر حال باز گشت ذوالجناح از میدان، از جالبترین تکه های شعری این تعزیه نامه است . متن این تعزیه نامه از روی چاپ « کتاب تعزیه علیا مخدره شهر بانو علیها السلام » از انتشارات « شرکت نسبی کانون کتاب » که تاریخ چاپ ندارد تنظیم شد . نسخه ایست پر غلط ، و تا آنجا که مقدور بود تصحیح شد ، در این کتاب (از صفحه ۲۶ تا ۳۲) قسمتهایی از تعزیه ای دیگر بدنبال و پیوسته با تعزیه نامه شهر بانو آمده بود که چون ارتباطی با شهر بانو نداشت ، حذف گردید . ادوارد براون در « تاریخ ادبی ایران » بچاپ دیگری از این تعزیه اشاره کرده است که عنوان « تعزیه غائب شدن شهر بانو » را دارد و چاپ تهران سال ۱۳۱۴ است . بدست نیامد .

سیروس طاهباز

متن تعزیه نامه شهر بانو

عبدالله

به سر مر است ملاقات آن شه احباب
رسم به خدمت و یابوس سید ثقلین
خدا کند که بینم دو باره رویش را

وزیر

برای چیست که چشمان خون نشان داری ؟
بیان نما به وزیر خود از ره احسان .

عبدالله

ظاهر کنم، غمی به غم من فرون شود
چشم ز گفتنش - بخدا - سیل خون شود
از اشک چشم خویش رخم لاله گون شود

فلك ز بهر حسین علی شدم بیتاب
خوش آن دمی که دروم در مدینه حرمین
که مدتیست به دل دارم آرزویش را

ایا امیر اجرا ناله و فغان داری ؟
سبب چیست که غمگینی ای امیر جهان ؟

این غم نهفتنی است، نه از دل برون شود
بگذر از این سؤال و میرس از من ای وزیر
گر من کنم غم به تو اظهار این زمان